

## افغانستان

دهمین سالگرد سیاه تخریب مجسمه های بی نظیر بودائی،  
تراژیدی بامیان، تراژیدی انسانیت

از دوست و برادر دانشمند جناب انجنیر سیدال هومان جهان سیاس دارم که این عکس زیبای بامیان دوست داشتی ما را به دسترس قرار دادند

درست ده سال قبل، روز دوشنبه دوازدهم مارچ، در یکی از شب های تاریک هجرت و آوارگی در دیار غیر، خبر اسفناک و جگر خراش انفجار و تخریب مجسمه های بودا های بزرگ بامیان، بزرگترین افتخار فرهنگی جهان (دوران بودائی) را که افغانستان عزیزم افتخار داشتن آنرا در آغوش اش داشت، از ورای امواج رادیوی بین المللی فرانسه شنیدم. آنچنان تکان خوردم که چشمانم سیاهی کرد و ناخود آگاه فریاد کردم: آه از برای خدا و انسانیت!!! چه می شنوم و هنوز مات و مبهوت بودم که لحظه بعد چینل های تلویزیونی فرانسه و سی ان ان امریکا هم این خبر فاجعه بار را انتشار دادند و تصویرهای این حادثه قرن را در برابر دیدگان متحیر مردمان جهان گذاشتند.

انفجار و تخریب تندیس های بودا در بامیان را میتوان یک جنایت فرهنگی نامید که در طول تاریخ اسلام هیچ حکومتی و هیچ متجاوزی به آن دست نبرده بود. مردم، مرتکبین این خیانت و جنایت فرهنگی را نخواهند بخشید و هر زمانیکه میسر شود این جلادان انسان و فرهنگ انسانی را به محاکمه خواهند کشید. رویداد تراژیدی بامیان در حقیقت اوج افراطیت مذهبی را در جهان می رساند که در بستر جهالت و نا آگاهی انسان خفته است.

بودا های بزرگ بامیان افغانستان که یکی آن ۵۳ متر و دیگرش ۳۵ متر ارتفاع داشت، از بزرگترین مجسمه های بودا در جهان بوده اند، از جمله آثار مهم ارکیولوژی و فرهنگی دنیا بودند که از طرف بخش فرهنگی سازمان ملل متحد یعنی مؤسسه یونسکو، رسماً بحیث آثار متعلق به بشریت و ملکیت انسان و جهان شناخته شده بودند.

حکومت "اسلامی"! طالبان با انفجار و تخریب این مجسمه های زیبا نه تنها بزرگترین جنایت به فرهنگ جهان و کلانترین تحقیر به هنر و خلاقیت انسان نمود، بلکه مهمترین وسیله جذب توریسم و آمدن سیاحان به افغانستان را که یکی از منبع سرشار عاید اقتصادی مملکت از این مدرک بود، ضربه زد. به تکرار باید گفت این جنایت از آن گناهای است که نمیتوان آنرا در جمله دسته بندی فجایع قرار داد. این یک جنایت منحصر به فرد است، که مردم افغانستان مسؤلیت دارند در پهلوی سایر جنایتکاران، این جنایتکاران را نیز به میز محاکمه بکشانند. بی مناسبت نیست که صرف با تذکر رویداد انکار تخریب برج ایفل پاریس در آوان جنگ عمومی دوم جهانی توسط یک پیلوت آلمان نازی که برای انفجار آن مؤظف شده بود با درک اینکه آبدۀ ایفل ممثل آرت و هنر انسان بود از تخریب آن استتکاف کرد در حالیکه

عمر ایفل در آنوقت، یکصد سال و اندی بیشتر نمی گذشت. و امروز مردم هنر دوست فرانسه و جهان از این پیلوت با فرهنگ به نیکوئی یاد کرده و نام او را در تاریخ فرهنگ بشریت جاودان ساخته اند. تصاویر ذیل، عکس های بودای بزرگ ۵۳ متره بامیان را قبل از انفجار و بعد از انفجار نشان میدهند که هر دیده بینا را متأثر و انسان هنر دوست را به تفکر وامیدارد.



من دو خاطره را در مورد این تراژیدی قرن، همیشه بیاد خواهم داشت. یکی سروده ای در عزای تندیس های بامیان از قریحه ملکوتی شاعر افغان "رازق فانی" است که یادش همیشه جاویدان باد، و شما را با مطالعه سوگوارانه آن در ذیل این نوشته سهیم می سازم. و خاطره دومی سخنان اعلیحضرت مرحوم محمد ظاهر شاه است که بعد از فاجعه و تراژیدی تخریب مجسمه بودای بامیان در حالیکه چشمانشان از این اندوه بزرگ مرطوب بود با ژورنالیستی جنین اظهار نمودند: (من در مرگ پسر «داود پشتون» نه گریستم و در هیچ واقعه ای چنین تکان نخورده بودم و اشک نریخته بودم، ولی در تخریب تندیس های بودا گریستم.

من دردی را که برای تخریب بودا ها احساس کردم مشابه درد بیوطنی ام بود. وقتی مجسمه های بودا را این ظالمان منفجر ساختند بمن احساس رنج عمیقی روی داد و آنگاه فکر کردم وطن، هستی و هویت فرهنگی ام را ویران کردند. من دردی را که از آن ناحیه احساس کردم برای از دست دادن سلطنت افغانستان احساس نکرده بودم. نه برای اینکه این مجسمه ها صیغه مذهبی داشتند، نه! هرگز نه!، برای اینکه اینها آثار هنر انسان بودند؛ اینها آثار بزرگی و ثبوت خلاقیت دست هنر آفرین انسان بودند و افتخار بی نظیر و بی بدیل کشور عزیز ما بودند. بس.)

بعداً از حواریون ایشان شنیدم که برای یک شبانه روز از خوردن غذا و نوشیدن آب هم دریغ کردند.



صحنه فاجعه انفجار مجسمه های بودا توسط طالبان

تأثیر دیگر این جنایت فرهنگی طالبان بر بعضی مسلمانان وطن ما چنان منفی بود که باورکردنی نیست. دوستی برایم حکایت میکرد که با شنیدن خبر انفجار بت های بامیان توسط طالبان، چنان متأثر شدم که از مسلمانی و از شخصیت ساله عبادت و نماز خواندن خود بیزار و پشیمان شدم و از آن روز تا امروز که ده سال از آن تاریخ می گذرد من با نمازهای اسلامی وداع گفته ام و گناه آنها فقط بگردن ملا محمد عمر آخوند انداخته ام. اینست تأثیرات مخرب جنایت فرهنگی طالبان که بجای جلب و جذب مردم به اسلام و اسلامیت، حتی برخی افغانان را از اسلامیت شان بیزار ساخته است.

و اینک سوگنامه رازق فانی در ماتم بودا:

## خون سنگ!

بهار آمد دریغا ماتمی در گلشن است امروز	به برگ هر درختی مرغکی در شیون است امروز
گریبان باید از غم پاره سازیم ای وطن داران	گریبان وطن در پنجه اهریمن است امروز
به میهن بایدهش می ریختم، فریاد از این غربت	زخون خویش می شرمم که جاری درتن است امروز
نه جسم ناتوانم را مجال جان فشانی ها	نه چشم بی فروغم را توان دیدن است امروز
نگینی را که بر تاج غرور شرق می تابید	چسان بینم که پا مال جنون دشمن است امروز
به گوش قاتل مردم شنیدم روح بودا گفت	که خون سنگ هم اینک ترا درگردن است امروز

تبر در دست کور افتاده کشور می شود ویران

خدایا گردنش بشکن که بشکن بشکن است امروز

پایان